جوان و آسيب ها

احمد افخمى، شماره اشتراك 11354، از قم‏

جوانى، بهار زندگى هر انسان و دوره جوشش استعدادهاى اوست. جوانى، سرمايه گران بهايى است كه با به كارگيرى صحيح آن، تمام مقاطع حيات آدمى معنا يافته و سعادت دنيا و آخرت در پرتو شناخت و برنامه ريزى صحيح در اين مقطع، تأمين مى‏شود.

فصل شيرين زندگى، در جوانى يافت مى‏شود. نشاط، شادابى، تلاش، احساس نيرو و نوگرايى و ده‏ها ويژگى ديگر، در اين مقطع جلوه مى‏كند. اگر در فصل بهار، طبيعت، سرشار از خرّمى، و زمين، زنده و با طراوت مى‏شود، در جوانى نيز، در جسم و جان و روح و روان انسان ويژگى‏هاى نيك و پسنديده جوانه زده و پرورش مى‏يابد.

به دليل اهميت اين موقعيت ويژه، صاحب نظران از ديرباز تاكنون همواره كوشيده‏اند تا به جوانى و جوانان بينديشند و براى رشد صحيح فضايل و استعدادهاى نهفته در آنان و جلوگيرى از خطرات و آسيب هايى كه آنها را تهديد مى‏كند، به ارائه برنامه بپردازند. بر همين اساس و به ويژه در عصر كنونى، ضرورى‏ترين بحث پيرامون جوان، آسيب‏شناسى آن است كه در اين مقاله سعى مى‏كنيم گوشه هايى از آنها را بررسى نماييم.

قلمرو و محدوده آسيب پذيرى جوانان‏

هميشه منشأ آسيب‏ها و آفت‏ها، لزوماً عوامل بيرونى نيستند، بلكه در اغلب موارد، عدم استفاده صحيح از استعدادها و سرمايه‏ها و نداشتن برنامه براى به كارگيرى قواى خدادادى موجب مى‏شود تا امورى كه براى حيات و بقاى جوان ضرورى هستند، خود از آسيب‏ها و آفات جوانى گردند؛ به عنوان مثال يكى از سرمايه هايى كه در وجود جوانان به وديعت نهاده شده، حس الگوپذيرى است. اگر جوان به جاى اين كه استعدادش را به نحو صحيح به كار گيرد و از الگوهاى خوب و صالح استفاده كند، خودش را هماهنگ و همرنگ افراد نامناسب و فاقد كمال و موفقيّت در زندگى نمايد، استعداد خدادادى خود را تبديل به آسيب و آفت كرده است. بنابر اين قلمرو و دامنه آسيب پذيرى، فقط مربوط به عوامل بيرونى نيست، بلكه آسيب‏هاى ديگرى هم بر سر راه جوان وجود دارد كه بايد با همت خود، از آنها پيشگيرى و يا در صورت بروز، رفع كند.

زمينه‏ها و عوامل آسيب ها

متأسفانه امروزه آسيب‏هاى گوناگون فكرى، اعتقادى، اخلاقى، روحى، تربيتى، اجتماعى، سياسى و... نسل جوان ما را تهديد مى‏كند كه پيشگيرى و بلكه درمان آنها، از فورى‏ترين وظايف مربيان، والدين و تمام افراد و سازمان‏ها و اداراتى است كه به نحوى مرتبط با جوانان و متصدى امور آنان هستند. اما براى حل معضلات و رفع آسيب‏هاى جوان، ابتدا بايد زمينه‏ها و عوامل آسيب‏پذيرى اين قشر را شناسايى كرد. در اين جا به قدر توان به برخى از اين زمينه‏ها اشاره مى‏كنيم:

الف . فقر معنوى: يكى از عوامل آسيب پذيرى و بروز ناهنجارى در جوانان، آگاهى نداشتن در باره هستى و انسان و در يك كلمه، نتيجه عدم اعتقاد به اصول و مبانى اسلامى، خصوصاً مبدأ و معاد است. جوانى كه به خداوند متعال معتقد است و با حضرتش پيوند دارد، در اين هستى پهناور، هرگز خود را تنها و منزوى نمى‏پندارد و هميشه سعى مى‏كند تا از جادّه انسانيت خارج نشود. چنين فردى در سختى‏ها و مصايب، بردبارتر و شكيباتر مى‏شود و هيچ وقت به پوچى و سرگردانى نمى‏رسد و به دليل كرامت و ارزشى كه براى خويش در پيشگاه خدا به دست آورده است، سراغ بسيارى از معضلات اجتماعى نمى‏رود.

ب . تحولات دوران بلوغ: شروع مرحله بلوغ در پسر و دختر، معمولاً با تغييراتى همراه است كه تحولات روانى - عاطفى مانند: زوردرنجى، احساساتى بودن، مخالفت كردن با نظر ديگران، درون گرايى و...، از جمله آنهاست. اگر اين مرحله به سلامت طى نشود، باعث آشفتگى‏هاى روانى و زمينه‏اى براى آسيب پذيرى نوجوانان و جوانان خواهد بود.

ج . ناهماهنگى بين رشد اندام و عقل: اندام نوجوانان در طول دوران بلوغ رشد چشمگيرى مى‏كند و بر تمام قواى بدنشان افزوده مى‏شود، ولى عقلشان در آن دوران، رشد محسوسى ندارد و تقريباً در سطح قبل از بلوغ باقى مى‏ماند. اين ناهماهنگى جسم و عقل، منشأ بسيارى از خطرات در دوران جوانى است، زيرا از يك طرف با رشد جسم، قدرت اجرايى، بيشتر از دوران كودكى در اختيار جوانان قرار مى‏گيرد و از طرف ديگر، عقلشان كه راهنما و فرمانده قواى جسمانى آنان است، به وضع ايام كودكى باقى مانده و همچنان ضعيف و كم فروغ مى‏ماند.(1)

د . شخصيت انقلابى جوان (حس ماجراجويى): بدون ترديد، احساسات تند و آتشينى كه در نهاد جوانان قرار داده شده و تمام وجود آنها را تحت تأثير قرار مى‏دهد، مى‏تواند نقش مؤثّرى در آسيب پذيرى آنان داشته باشد. اين احساسات طبيعى در جوان، به پاسخ گويى صحيح نياز دارد تا مورد بهره بردارى درست قرار گيرد، ولى متأسفانه در موارد فراوانى به اين نياز جوان در جامعه پاسخ مثبت داده نمى‏شود؛ به عنوان مثال محدوديت‏هاى افراطى موجود در خانواده يا جامعه و خلأ سرگرمى‏هاى سازنده، از جمله عواملى هستند كه سبب تأمين اين نياز به شيوه منفى در جوانان مى‏گردد؛ مانند: مخالفت با مقررات اجتماعى، زير پا گذاشتن حدود و قوانين جامعه و... .

ه . عدم تربيت صحيح جنسى: «غريزه جنسى» در انسان، يكى از ميدان‏هاى مهم و پر لغزش تربيتى و از جمله غرايزى است كه بايد به صورتى صحيح آن را ارضا كرد، لكن نوجوان و جوانى كه در طى رشد تدريجى جنسى، توجيه نشده و آموزش و تربيت صحيح نديده است، شكى نيست كه در هنگام بلوغ جنسى، دچار هيجان، اضطراب، وحشت و بحران فكرى خواهد شد و به بسيارى از اعتقادات خود شك خواهد كرد و سرانجام به برخى از آسيب‏هاى اخلاقى، روحى و اجتماعى مبتلا خواهد گشت.

و . عدم رشد شخصيت: يكى از تمايلات طبيعى نوجوانان و جوانان اين است كه مانند بزرگ سالان به شخصيت شان احترام گذاشته شود. با توجه به اين خصوصيت، جوان و نوجوانى كه در محيط كوچك خانواده و يا جامعه مورد تكريم و احترام قرار مى‏گيرد و نظراتش مقبول واقع مى‏شود، علاوه بر اين كه موجب رشد عقلى و سازگارى او با محيط اجتماعى مى‏گردد، سعى و تلاش مى‏كند كه خود را به پستى و ناپاكى آلوده ننمايد و رفتارش شايسته اين تكريم باشد؛ اما وقتى به جوان اجازه اظهار نظر داده نمى‏شود و خوبى‏ها و توانايى‏هاى او مطرح نمى‏گردد، احساس بى كفايتى و حقارت مى‏كند. اين فرآيند روانى، زمينه ساز بروز رفتارهاى نابهنجار، انحرافات اجتماعى و بزهكارى مى‏گردد.

ز . محيط اجتماعى فاسد: اگر چه خانواده، مدرسه و جامعه، سه عامل نيرومند در پايه گذارى شخصيت و ساختن خلق و خوى انسان است و آدمى خواه ناخواه تحت تأثير اين سه محيط مقتدر قرار دارد، ولى محيط اجتماعى و جامعه كه آخرين كلاس ساختن اخلاق و شخصيت آدمى است، به مراتب قوى‏تر از آن دو عامل مى‏باشد. كشش‏هاى اجتماعى به اندازه‏اى نيرومند است كه عموم مردم به جزء افراد بزرگ و نوابغ، از تمام مقرراتش پيروى كرده و بدون فكر و انديشه، خويشتن را با آداب و سنن آن منطبق مى‏كنند. محيطِ نيرومند اجتماع قادر است به آسانى جوانان را همرنگ خود نمايد و صفات و خلقيّات خانوادگى آنان را كه هماهنگ روش‏هاى اجتماعى نيست، به دست فراموشى بسپارد. امام على‏عليه السلام‏مى‏فرمايند: «الناس بزمانهم اشبه منهم بِابائهم؛(2) شباهت اخلاقى مردم به محيط اجتماعى و روزگار خودشان بيشتر از شباهت به صفات خانوادگى و خلقيات پدران آنهاست.»(3)

ح . دوستان ناباب: يكى ديگر از زمينه‏هاى آسيب پذيرى نسل جوان، آشنا نبودن آنها با معيارهاى دوست خوب است. اين قشر آسيب‏پذير بر اثر كم تجربگى، در دام‏هاى خطرناكى مى‏افتند كه گرگ‏هاى انسان نما بر سر راهشان قرار مى‏دهند و در نتيجه، سعادت دنيا و آخرت خويش را تباه مى‏سازند. دقت و تأمل در زندگى صالحان و فاسدان، اين اصل اساسى را آشكار مى‏سازد كه دوستان خوب، افراد صالح مى‏سازند و دوستان بد، افراد فاسد.

ط . ناهماهنگى در برنامه ريزى براى جوانان: اگر افراد جامعه، به خصوص قشر جوان كه اثر پذيرى فرهنگى بيشترى دارند، در مواجهه با نهادهاى فرهنگى، با صداها و شعارها و عملكردهاى متفاوتى مواجه گردند و هر نهادى براى آموزش مسائل فرهنگى و تربيتى جوانان، ساز جداگانه‏اى بزند، پر واضح است كه نسل جوان در چنين آشفته بازارى دچار سردرگمى مى‏شود. متأسفانه اين واقعيت تلخ در اثر عدم هماهنگى و سياست گذارى معتبر و واحد در موضوع فرهنگ و تربيت، در جامعه ما وجود دارد و تعليم و تربيت صحيح نسل جوان ما را تهديد مى‏كند.

ى . رواج فرهنگ بى بند و بارى از سوى استعمار: استعمار براى سلطه فرهنگى خود در هر كشورى، ابتدا كوشش مى‏كند جلوى هر گونه فعاليت اصيل و سازنده فكرى را بگيرد و براى اين منظور، ملت‏ها را به سرگرمى و تفريح‏هاى مبتذل و غير سازنده و به بى بند و بارى و شهوت پرستى وا مى‏دارد. و البته در اين راه و براى عملى‏تر شدن نقشه شومش، جوانان را بيشتر از ساير طبقات هدف قرار مى‏دهد، زيرا جوان، خام‏تر است و به غفلت و بى بند و بارى و لذت جويى مايل‏تر، و از طرفى همين جوانان سازندگان فرداى هر جامعه‏اى هستند؛ بنابر اين فكر و روح آنان همواره در تيررس نوك پيكان استعمارگران بوده است.(4)

ابعاد گوناگون آسيب‏هاى جوانان‏

به همان اندازه كه مقطع جوانى از لطافت و صفا برخوردار است، به همان اندازه و بلكه بيشتر، در معرض مبتلا شدن به آسيب‏هاى گوناگون مى‏باشد. در اين جا به اختصار به برخى از آسيب‏ها اشاره مى‏كنيم:

الف . جوان و استحاله فكرى و فرهنگى: از اصلى‏ترين و خطرناك‏ترين آسيب‏هاى فرا روى جوانان در كشورهاى مذهبى، تضعيف عقايد و فرهنگ دينى آنهاست. گرچه نمودها و شاخص‏هاى انحرافى جوانان بيشتر در بعد اخلاقى و عملى است، ليكن بين اعتقادات انسان و اعمال او، ارتباط محكمى وجود دارد، به نحوى كه انحراف فكرى، انسان را به انحرافات اخلاقى مى‏كشاند. شهيد مطهرى‏رحمه الله‏در اين زمينه مى‏فرمايند: «ريشه بيشتر انحرافات دينى و اخلاقى نسل جوان را در لابلاى افكار و عقايد آنان بايد جست و جو كرد.»(5)

ب . جوان و آسيب‏هاى سياسى: بدون ترديد، تحليل مسائل سياسى جهان، دقت در گفتار و رفتار سياست‏مداران و طرز تصميم آنها در موارد مختلف، نقش مؤثرى در شكفتن عقل و پرورش فكر و توسعه هوش و رشد شخصيت جوانان دارد، لكن مسائل سياسى در نظر جوانان، به قدرى مطبوع و دل پذير و محرّك و پر هيجان است كه در بعضى مواقع افكار آنان را درا ختيار مى‏گيرد. در سراسر جهان و در تمام ادوار، بسيار اتفاق افتاده كه جوانان پاك دل و كم تجربه به دليل تمايل شديدى كه به مسائل سياسى داشته‏اند، اغفال شده و باندها و عناصر فاسد و فرصت طلب، با عناوين جذاب و فريب دهنده، اين نيروى عظيم را به نفع مقاصد سوء خود به كار گرفته و آنان را دچار سقوط و تباهى كرده‏اند.(6)

ج . جوان و اعتياد: يكى از وحشتناك‏ترين آسيب هايى كه نه تنها جوانان عزيز، بلكه ملت‏هاى جهان را تهديد مى‏كند، مسئله اعتياد به مواد مخدر است. اين پديده خطرناك، امروزه به صورت يك معضل حل نشدنى تمام كشورها را به خود مشغول كرده است. در گرايش به اين ماده خانمان سوز، معمولاً عوامل خانوادگى و اجتماعى به صورت مكمّل عمل مى‏كنند. وجود پدر و مادر معتاد، فقر مادى خانواده، كمبودهاى فرهنگى و آموزشى، ستيز و جدايى والدين و همچنين خانواده و طبقات مرفّه كه در آنها ثروت مادى با فقر فرهنگى آميخته مى‏شود، به ايجاد زمينه‏هاى اعتياد كمك مى‏كند.(7)

د . جوان و انحرافات جنسى: برنامه‏هاى مهيّج جنسى كه امروزه با بروز و ظهور فراورده‏هاى جديد هنرى و توسعه رسانه‏هاى گروهى رو به گسترش است، زمينه ساز انحرافات جنسى جوانان مى‏باشد. با توجه به اين كه صرف ديدن اين گونه برنامه‏ها، نياز جنسى جوانان را تأمين نمى‏كند، آتش اين غريزه در آنها شعله ورتر شده و به مسائل ضد اخلاقى و جنسى منجر مى‏شود.

ه . جوانان و بى هويتى: در دنياى امروز، اغلب پدران و مادران اصرار دارند كه فرزندانشان در زمينه علوم مختلف پيشرفت كنند، اما بايد به اين نكته توجه داشت كه همه علوم در فيزيك، شيمى، اقتصاد و... خلاصه نمى‏شود، كه علم به خويشتن و خود را يافتن، از «برترين» (8) علوم است. در اهميت اين علم همين بس كه پيامبر عظيم الشأن اسلام‏صلى الله عليه وآله‏فرمودند: «آن كسى كه خود را بشناسد، خداى خويش را شناخته است.»(9)

با اندكى تأمّل در احاديثى كه انسان را به خودشناسى دعوت كرده، به اين نكته پى مى‏بريم كه هدف از آن، وادار كردن انسان و مخصوصاً جوانان به تفكر بوده تا دريابد كه كيست و چيست؟ چه نقاط ضعف و قدرتى دارد و چه امكاناتى براى رشد او فراهم شده است؟

در سايه اين تفكر است كه مى‏توان گفت جوان، هويت خودش يعنى «منِ حقيقى و متعالى‏اش» را به دست آورده است. اما اگر از اين تفكر فاصله بگيرد و خود را هميشه در ساختار حيوانى مشاهده كند و يا اجازه دهد ديگران وجودش را به دلخواه خود بسازند، هويت حقيقى خويش را به دست نخواهد آورد. اين بى هويتى باعث كاهش ارزش مفاهيم دينى و قدسى در نزد او و رو آوردنش به مفاهيم دنيوى و ناسوتى مى‏شود.

و . جوان و لغزش در انتخاب الگو: پر واضح است كه روحيه تقليد و الگو پذيرى، يكى از ويژگى‏هاى دوران جوانى است. نفس تقليد و الگو پذيرى، امر مذمومى نيست تا بر جوان خرده گرفته شود، بلكه يكى از اشتباهاتى كه در بين مردم و به خصوص جوانان بيشتر رايج است، اشتباه در محدوده شايستگى الگوهاست؛ براى مثال جوانى كه شيفته مقام هنرى، علمى، ورزشى و حتى معنوى فردى مى‏شود و در نتيجه اين شيفتگى، مترصّد است تا در نحوه حرف زدن، لباس پوشيدن، نشستن و برخاستن هم از او تقليد كند، دچار لغزش در الگو پذيرى شده است. در روايتى از امام صادق‏عليه السلام‏نقل شده است كه فرمود: «ايّاك أن تنصب رجلاً دون الحجّة فتصدّقه فى كلّ ما قال؛ (10)بر حذر باش از اين كه كسى را بدون دليل و حجت به عنوان الگو براى خود نصب كنى و او را در هر چه مى‏گويد، تصديق و تأييد نمايى.»

نقش عوامل مختلف در آسيب‏شناسى و آسيب زدايى‏

در حل مشكلات و معضلات جوانان، بخش مهمى از كار بر عهده خود آنان است. مهم اين است كه خود جوان، آسيب‏ها، آفات جوانى و عوامل و زمينه‏هاى آنها را بشناسد و مسئولانه به فكر چاره و تدبير امور خويش باشد؛ اما در اين ميان ديگران نيز وظايفى بر عهده دارند كه به تعدادى از آنها به صورت گذرا اشاره مى‏كنيم:

1 . وظايف والدين‏

والدين از يك طرف، مسئوليت مهمى در راه هدايت فرزندان خود دارند و از طرف ديگر، به طور ناخود آگاه، الگوى عملى و رفتارى براى فرزندانشان هستند و در تعليم و تربيت آنان نقش اول را ايفا مى‏كنند. از اين رو لازم است كه ويژگى‏ها و روحيات جوانى و طرز رفتار با آنان را به خوبى بشناسند تا در نحوه تعليم و تربيت فرزندانشان دچار مشكل نگردند. «بدون ترديد يك قسمت از طغيان و عصيان جوانان، ناشى از اَعمال ناسنجيده پدران و مادران است. تحقير و سرزنش‏هاى غير صحيح، سخت‏گيرى‏ها و خشونت‏هاى بى مورد، مخالفت‏ها و انتقادهاى نابجاى پدران و مادران، فرزندان جوان را خشمگين و غضب آلود مى‏كند و آنان را به ستيزه جويى و تجاوز كارى وا مى‏دارد. [اگر چه‏] غالب پدران و مادران داراى حسن نيت هستند، ولى نمى‏توانند روحيه و احتياجات فرزند خود را درك كنند و در بيشتر اوقات همان اشتباهاتى را مرتكب مى‏شوند كه پدران و مادران خودشان در تربيت آنها مرتكب شده‏اند... آن وقت از خود مى‏پرسند: چرا فرزندان ما از ما فرار مى‏كنند و نمى‏خواهند در هيچ كارى با ما مشورت كنند.»(11)

روش معقول و مؤثر در مورد جوانان اين است كه والدين، خود را در موقعيت آنها قرار دهند و از ديدگاه آنان به مسائل بنگرند، شخصيت جديدشان را به رسميت بشناسند، خود را مسئول هزاران ابهام و سؤال آنها بدانند و براى ايشان راهنماى خوبى باشند. پيامبر اسلام‏صلى الله عليه وآله‏فرمودند: «رحم اللّه والداً أعان ولده على برّه؛(12) رحمت الهى بر پدرى باد كه فرزند خويش را در انجام نيكى و خير يارى نمايد.»

2 . وظايف دولت و جامعه‏

در بحث مهم آسيب‏شناسى و آسيب زدايى جوانان، نمى‏توان نقش و تأثير پر اهميت دولت را در اين زمينه ناديده گرفت، چرا كه شيوه و روش مملكت دارى و برنامه‏ريزى‏هاى سياسى و اقتصادى، بر تفكر خانواده‏ها تأثير مى‏گذارد و آنان نيز فرزندان خودشان را با همان طرز تفكر تربيت مى‏كنند. امام على‏عليه السلام‏مى‏فرمايند: «الناس بأمرائهم أشبه منهم بِابائهم؛(13) مردم در روش‏هاى اخلاقى و صفات اجتماعى، به حكومت‏هاى خود بيشتر شباهت دارند تا به پدران خويش.»

اكنون كه سياست و اقتصاد جامعه همانند فرهنگ، نقش پر اهميت و انكار ناپذيرى در جلوگيرى از انحرافات جوانان دارد، ايفاى اين نقش در صورتى عملى است كه سياست دولت در برنامه ريزى و تدبير مردم در شئون مختلف به گونه‏اى باشد كه عوامل رشد تقوا را افزايش دهد و از عوامل شهوت زا و تقويت كننده شهوات به خصوص غريزه جنسى، جلوگيرى نمايد. اين كار زمانى تحقق مى‏پذيرد كه تقويت نيروى ايمان و آگاهى دادن جوانان به شخصيت و هويت خودشان، در رأس برنامه‏هاى فرهنگى جامعه باشد. در برنامه ريزى‏هاى اقتصادى نيز دولت بايد به اصل عدالت اجتماعى، رفع تبعيض، دورى از اسراف و تبذير، نفى سودجويى و دزدى و اختلاس و توليد نكردن كالاهاى مبتذل... توجه كند تا راه رسيدن به يك زندگى ساده براى همه فراهم آيد، زيرا كودكان خانواده‏هاى فقير اغلب گرفتار محروميت و كمبود هستند و همواره در خود احساس عقب افتادگى مى‏كنند. اين احساس تلخ، روح و روان آنها را تيره مى‏كند و باعث مى‏شود در برخوردهاى اجتماعى و ابراز شخصيت دچار مشكل شوند. و اين، خود زمينه و عاملى براى آسيب پذيرى آنها در جامعه مى‏گردد.

لغزش ايمان بود، زاييده فقر و نياز

ورنه هيچ آلوده دامن، دزد مادرزاد نيست(14)

علاوه بر دقت در برنامه‏ريزى‏هاى اقتصادى، ايجاد محيطهاى سالم تفريحى، تربيتى و ورزشى به قدر كافى، پر كردن اوقات فراغت جوانان به نحو مطلوب، جلوگيرى از ورود پوشاك خارجى و مبتذل به داخل كشور، حمايت از توليد كنندگان داخلى و... از عوامل سازنده در كنترل و اصلاح انحرافات اجتماعى به خصوص انحرافات جنسى است. مضافاً اين كه كوشش در جهت تقويت باورهاى دينى و توجه به خدا و آخرت از طريق مواد آموزشى درسى، توسعه فرهنگ اقامه نماز در جامعه و مدارس، ساخت برنامه‏هاى هنرى و جذاب دينى، تهيه برنامه‏هاى تربيتى و اجراى خوب و دقيق آنها در مدارس، گزينش افراد صالح و مسئوليت شناس و كاردان براى امر تربيت جوانان و نوجوانان، كنترل برخوردهاى نامطلوب اجتماعى در مدارس، خيابان‏ها، سازمان‏ها، ارگان‏ها و... همگى از وظايف دولت، البته با كمك گرفتن از نيروهاى مردمى و عالمان جامعه است.

3 . وظايف پاسداران دين و حوزه‏هاى علميه‏

بدون ترديد از وظايف حوزه‏هاى علميه و مبلغان دينى، رهبرى نسل جوان در امر دين است، اما نكته قابل توجه در ايفاى اين نقش بزرگ، روش برخورد با نسل جوان است. عدم برخورد منطقى و درست، آنان را به سوى انحرافات سوق مى‏دهد. نبايد در برخورد با جوان، برخوردى انتقادى و مذمّت گونه، توأم با پرخاش و دهن كنجى را در پيش گرفت و نيز نبايد در تعريف و تمجيد از او، افراط كرد تا مغرور شده و از نقاط ضعفش غافل شود.

شهيد مطهرى مى‏نويسد: «چاره كردن اين انحرافات [انحرافات فكرى و اخلاقى‏] بدون در نظر گرفتن مزايا؛ يعنى ادراكات و احساسات و آرمان‏هاى عالى كه دارد، و بدون احترام گذاشتن به اين ادراكات و احساسات، ميسّر نيست... اگر بخواهيم به اين امور بى اعتنا باشيم، محال است كه بتوانيم جلوى انحرافات فكرى و اخلاقى نسل آينده را بگيريم.»(15)

از نكات ديگرى كه در امر رهبرى دينى نسل جوان بايد به آن توجه داشت، اين است كه تلاش شود تا دين با زبان نسل جديد و منطق خاصّ او به وى عرضه گردد. بر خلاف برخى از افرادى كه بدبينانه به جوانان نگاه مى‏كنند و طبقه جوان را دور از دين و معنويات مى‏پندارند، اگر دين به زبان و منطق خاصّ او به وى عرضه گردد، به راحتى پذيرفته و جذب دين و معنويات مى‏شوند. شهيد مطهرى در اين زمينه مى‏نويسد: «اگر مشكلى در راهنمايى اين نسل باشد، بيشتر در فهميدن زبان و منطق او و روبرو شدن با او با منطق و زبان خودش است و در اين وقت است كه هر كسى احساس مى‏كند اين نسل بر خلاف آنچه ابتدا به نظر مى‏رسد، لجوج نيست؛ آمادگى زيادى براى دريافت حقايق دينى دارد.»(16)

علاوه بر اين دو نكته، اگر حاكمان جامعه دينى و در حقيقت متوليان دين، در لباس دين، توجهى به آداب و رسوم دينى نداشته و به آن عمل نكنند و اراده و باور دينى‏شان در عمل، نمونه و الگو نباشد، اين روش به روح و روان جامعه خصوصاً جوانان عزيز هم سرايت مى‏كند و باور آنان را نيز مخدوش مى‏سازد و ديگر در حفظ آداب و رسوم دينى آن چنان كه بايد، كوشا نخواهند بود.

پىنوشت ها:

1) برگرفته از: محمد تقى فلسفى، گفتار فلسفى، جوان از نظر عقل و احساسات، ج 1، ص 165.

2) شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ج 19، ص 209.

3) محمد تقى فلسفى، گفتار فلسفى، جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، ص 81.

4) اقتباس از: لذت جويى و بى بند و بارى، تهيه و تنظيم: مؤسسه در راه حق، ص 6.

5) مسئله حجاب، ص 13.

6) اقتباس از: محمدتقى فلسفى، گفتار فلسفى، جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، ص 62 - 66.

7) اقتباس از: مجله اصلاح و تربيت، ش 86 و 87.

8) غررالحكم و دررالكلم، ج 2، ص 386؛ «افضل المعرفة، معرفة الانسان نفسه».

9) بحارالانوار، ج 2، ص 32.

10) حميد رضا شيخى، ترجمه ميزان الحكمه، ج 10، ص 5022، واژه تقليد.

11) محمد تقى فلسفى، گفتار فلسفى، جوان از نظر عقل و احساسات، ج 1، ص 438.

12) نهج الفصاحه، ص 384؛ ميزان الحكمه، ج 10، ص 721.

13) بحارالانوار، ج 75، ص 46؛ تحف العقول، ص 208.

14) به نقل از: محمد تقى فلسفى، گفتار فلسفى، جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، ص 28.

15) ده گفتار، ص 212.

16) مسئله حجاب، همان.